

اسم اعظم

مسیح و جاهل

یه روز یه نفر از حضرت مسیح خواست اسماء اعظم رو بهش یاد بده تا ببینه چطور مرده ها رو زنده می کنه! ایشون قبول نمی کنند و مرد اصرار می کنه. بالاخره ایشون اسماء رو به اون یاد میدهند و اون آقا میره .. تو بیابون همینطور میره تا به یه سری استخون میرسه و با خودش میگه بزار امتحان کنم ببینم این رمز درست کار میکنه یا نه؟! وقتی اسماء اعظم رو میگه ، استخونها جمع میشن و زنده میشن. یه شیر درنده و بزرگ میشه و بهش حمله میکنه و اون رو می کشه . تو همون گودالی که استخونها شیر بود حالا استخونها اون مرد افتاده بود .

احادیث اسم اعظم

همانطور که خداوند دارنده ی نامهای متعدد است ولی دارنده ی اسم اعظم نیز هست و هر گاه کسی با این نام، خدا را بخواند و یا از او چیزی بخواهد؛ دعایش مستجاب و خواسته اش مورد قبول واقع می شود. احادیث زیر اسم اعظم خداوند را بیان می کند.

۱- عن بریده (رضی الله عنه) قال: "سمع النبی (ص) رجلاً يدعو، وهو يقول: اللهم إني أسألك بأني أشهد أنك الله لا إله إلا أنت الأحد الصمد، الذي لم يلد و لم يولد، و لم يكن له كفواً أحد.

قال، فقال، "والذي نفسی بیده لقد سأل الله باسمه الأعظم، الذي اذا دعی به اجاب و اذا سئل به أعطی"

از بریده (رض) روایت شده که گفت: پیامبر (سلام و درود خدا بر او باد) دعا و راز و نیاز مردی را شنید که می گفت: خدایا! ترا می خوانم به اینکه گواهی دهم تنها تو خدایی و هیچ خدایی جز تو نیست. خدای یگانه و سرور والایی که نه زاده است و زاده نشده است و کسی همتا و همگون او نمی باشد.

گفت: پس پیامبر (ص) فرمود: به خدای یگانه که جانم در دست قدرت اوست، او با اسم اعظم خدا را خواند. که هر گاه با آن خوانده شود، جواب می دهد و هر گاه با آن مورد درخواست قرار گیرد، می بخشد.

۲- از انس ابن مالک (رض) روایت شده که گفت: "دخل النبی (ص) المسجد و رجل قد صلی و هو يدعو و يقول فی دعائه: اللهم لا إله إلا الله. أنت المنان. بديع السموات والأرض. ذو الجلال والإكرام. فقال النبی (ص) أتدرون بم دعائه؟ دعا الله باسمه الاعظم الذي اذا دعی به أجاب و اذا سئل به أعطی"

پیامبر (ص) به مسجد رفت مردی را در حال نماز دید که این دعا را میخواند: خدایا، هیچ خدایی جز خداوند یکتا نیست. بسیار احسان کننده ای، آفریننده ی آسمانها و زمین، و بسیار با شکوه و با عظمتی.

پیامبر (ص) فرمود: آیا می دانید آن مرد چگونه دعا کرد؟ خدا را با اسم اعظمش خواند و هر گاه خدا با آن نام خوانده شود جواب می دهد و هر گاه با آن نام از او درخواست شود، خواسته را بر آورده می کند.

۳- از اسماء بنت یزید (رض) روایت شد که پیامبر خدا (ص) فرمود: اسم اعظم خدا در دو آیه زیر آمده است: و إِلَهُكُمْ إِلَهُ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ. و ابتدای سوره ی آل عمران: أَلَمْ يَلَمْ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ.

۴- از سعد بن مالک روایت شده که گفت: شنیدم پیامبر خدا (ص) فرمود: هل ادلكم على اسم الله الاعظم. الذی اذا دعى به أجاب و إذا سئل به أعطى؟ الدعوة التى دعابها يونس حيث نادى فى الظلمات الثلاث: "لا إله الا انت سبحانك إني كنت من الظالمين" فقال رجل: يا رسول الله هل كانت ليونس خاصة ام للمؤمنين عامة؟ فقال رسول الله (ص): الا تسمع قول الله عزوجل: وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنَجِّى الْمُؤْمِنِينَ

آیا شما را به اسم اعظم خدا راهنمایی کنم؟ که اگر با آن نام خوانده شود، پاسخ می دهد و اگر با آن در خواست نیازی بشود، آن را بر آورده می کند؟ همان دعایی که حضرت یونس پیامبر در دل ظلمات سه گانه فرموده است: جز تو خدایی نیست. پاک و منزهی، من به خود ظلم کرده ام. مردی گفت: ای رسول خدا (ص) آیا این دعا مخصوص حضرت یونس است یا عموم مؤمنان را نیز شامل می شود؟ رسول خدا (ص) فرمود: آیا گفته ی خداوند را نشنیده ای که می فرماید: ما او را از اندوه و دلتنگی نجات دادیم و اینچنین مؤمنان را نیز نجات خواهیم داد.

اگر انسان با دقت به این نامها توجه کند، و معانیشان را خوب بفهمد و آنها را مشعل راه خود قرار دهد؛ دریچه ی وسیعی از خدا شناسی و معرفت حق به روی او گشوده می شود. و حقیقت بزرگ وجود و هستی را کشف می کند.

از یکی از انسانهای اهل تقوی و معرفت نقل است:

اگر کسی حاجتی بسیار دشوار دارد که دیگر برای او امید فرجی از هیچ جایی نباشد در نیمه شب یا ثلث اخر شب(با طهارت) دو رکعت نماز حاجت بخواند(همچون نماز صبح)و بعد از فراغ از نماز با نیت صحیح و اعتقاد صالح و توجه به وجود مقدس خداوند مهربان و توجه به معانی این دعای حاوی اسماء اعظم هفتاد مرتبه بگوید:

يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ

و بعد از فراغ از دعا دست سوی اسمان بردارد و حاجت خویش را از حضرت دوست بخواهد که قطعافرجی و گشایشی برای او می شود و به مقصود خویش می رسد. و نیز می فرمایند: تاثیر این دعا برای حقیر تجربه شد و بعد از انجام آن یک روز نگذشت که چشم من سوی فتح و فیروزی و نجات مطلب شد و دلم مسرور شد

دو اسم اعظم الله و هو

درباره ی اسماء الحسنی کتابها و رساله های بسیاری نوشته شده است و حتی خواص و فوایدی که بر ذکر هریک از اسماء الهی مترتب است بیان شده تا محتاجان آنها را ورد و ذکر کنند و بخوانند و حاجت بطلبند و بهره برند ، هر چند که اهل معرفت معتقدند که هر اسمی از اسماء خداوند جامع است و هر یک جامع جمیع اسم های دیگر نیز هست . عده ای گفته اند که تعداد نام های مبارک یزدانی هزار اسم است و بعضی گفته اند ۳۷ و جمعی ۷۷ و گروهی ۹۹ نام ذکر کرده اند.

اسم اعظم از اسرار است و در مورد آن روایات و احادیث بسیار است که بزرگان دین از آن سخن گفته اند . حتی بعضی کلمه ی الله و برخی نیز کلمه ی هو را اسم اعظم میدانند که اگر از روی صدق و صفا خوانده شود اثرها دارد.

همه ی صفات و همه ی اسماء الهی یگانگی دارند و شامل وجود مبارک او تعالی می گردند :

در واقعه ی «حدیبیه» و هنگام نگارش عهد نامه بین فریقین اسلام و مکیان کافر ، حضرت علی (ع) مامور نگارش متن عهد نامه شد و مرقوم داشت : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ولی سهیل بن عمر و نماینده ی مکیان گفت ما «الرحمن» را نمی شناسیم ، همان اسمی را که آبا و اجدادمان می نوشتند بنویس : «باسمک اللهم» و این الرحمن را خط بکش . حضرت علی (ع) امتناع فرمودند ولی حضرت رسول (ص) خود آن را حذف فرمودند و دستور دادند که : اکتب باسمک اللهم ...

« الله »

کلمه ی الله را مشتق از اَلِه میدانند که پناه گزین شدن است .

گفته اند این کلمه از معنی تحیر است ، یعنی تحیر از کنه صفت و آرام گرفتن و عظمت اوست که عقل های بزرگان و فهم های دانایان در مبادی اشراق جلال وی حیران است و از دریافت چگونگی صفات و افعال وی نومید است . زیرا او صفت خویش در حجب عزت نگهداشت تا هر نا اهلی و نا محرمی به اسرار قدم بینا نشود .

عرفا در تقطیع حروف گویند : «الف» اشارت است بر آلاء «لام» لطف خدا «لام» دوم لقاء خدا و «ها» تنبیه است که بیدار باشید و بدانید که هر که به دیدار الله رسید از نعمت و لطف او برخوردار شد. در خواص این اسم مبارک بسیار گفته اند

و نیز از ویژگی های این نام شریف آنکه : اگر هر حرف آن را بیفکنند باز همان نام خداست که باقی می ماند و حتی اگر الف و دو لام را حذف کنند باز هو باقی می ماند که آن نیز نام خداست .

کلمه ی الله به حساب جمل ۲۰۲ است که حاصل جمع محمد (۹۲) و علی (۱۱۰) است . مرحوم ملا جلال دوانی میفرماید :

گر مرد رهی روشنی راه نگر آیات علی زجان آگاه نگر

گر بینه بر اقامتش میطلبی در بینه ی حروف الله نگر

و چون در تساوی کلمه ود حب مودت با محبت محمد با اسلام به حساب زبر و بینات دقت شود هر دو را مساوی می یابیم .

« هو »

کوتاهترین نام یا ضمیر اسم خداوند عظیم است که بلند ترین فکرها و اندیشه ها به آن نام محبوب غیبی نمی رسد و در کتب عرفانی نیز همواره آن را برای نام خالق متعال به کار می برند و در قرآن کریم ۲۸۳ بار در ۵۸ سوره به تکرار آمده است . در ۳۹ آیه ی مبارک تهلل هم اگر بررسی شود در ۳۲ مورد آنها کلمه ی هو خاص ذات اقدس الهی به کار برده شده است . حتی برخی از محققان مانند شیخ محمد بن سعید الهروی در کتاب بحرالغرائب (ص ۴) می نویسند که علما کلمه ی هو را اسم اعظم می دانند و مقدم اسماء است .

به حساب ابجد یا الله یا هو آمده ۹۹ که مساوی با اسماءالحسنی است .

شرف شمس شامل پنج اسم اعظم الهی

شرف شمس

حتما تا بحال انگشتر شرف شمس دیده اید. میخواهم مطالبی را در این زمینه مطرح کنم.

اصولا انگشتر شرف شمس غلط مصطلح است زیرا فقط نقش آن مهم است. چون باید بر سطح زردرنگ نقش گردد از عقیق زرد استفاده میشود و اگر طبیعت ها را که قبلا توضیح دادم در نظر بگیریم میتوان آن را روی کاغذ زرد یا پارچه زرد هم نقش کرد. فلسفه آن جای بحث بسیار دارد اما تا جایی که من میدانم شامل ۵ اسم اعظم خداوند است. که به شکل های مختلفی دیده شده اند. و حتی گاهی ۵ نام خداوند را بجای اشکال قرار میدهند که در ادامه خواهم نوشت.

مسئله چنین است که چون در سال فقط یکبار شرایط مهیا میشود تا موکلین خورشید به زمین بیایند لذا امکان انجام این عمل در سال فقط یکبار است. آنهم فقط در شرف خورشید که خورشید در آن زمان نسبت به سایر کواکب روی زمین قدرت بیشتری دارد.

نکته اینجاست که این عمل یکبار مصرف نیز هست یعنی در واقع با کاهش اثر خورشید کمرنگ میشود.

اما چون در مدت زمانی که کارایی دارد پرقدرت است به زحمتش می ارزد.

نقش شرف شمس شامل پنج اسم اعظم خداوند است که آنها را کلمات مبارکه الله جمیل رحمن مومن و نور گفته اند و بجای نقش از پنج حرف اول آنها بصورت ا.ج.ر.م.ن میتوان استفاده کرد.

الله اسم جامع

کلمه مبارکه الله، اسم جامع و نام کاملی است برای ذات مقدسی که مستجمع همه صفات کمال است. و گفته اند: سه معنا در آن مندرج است:

۱- دایم ازلی، قائم ابدی و ذات سرمدی است.

۲- عقول و اوهام، در معرفت او متحیر و سرگرداند و ارواح و افهام در طلب او سرگشته و ناتوانند.

۳- مرجع رجوع و بازگشت همه خلایق و موجودات است.

اصحاب لطائف و اشارات گفته اند: الله، اسم اعظم است و اساس توحید بر آن است، و کافر به سبب گفتن این کلمه از پستی کفر به اوج ایمان انتقال یابد، البته در صورتی که نیت صادقانه دلش، گفتار زبانش را بدرقه کند.

کافر با گفتن این کلمه از دنیای غفلت و ناپاکی، و از عرصه تنهایی و وحشت به دایره هشیاری و پاکی و انس و امنیت درآید. اگر به جای لا اله الا الله، لا اله الا الرحمان یا نام دیگر گوید، از کفر بیرون نیاید و وارد دایره اسلام نشود، رستگاری و فلاح بندگان در گرو ذکر این نام نورانی و کلمه طیبه و اسم عرشی است.

منقبت کمال ذاکران به شرف این اسم، کامل و تمام است، شروع و ابتدای هر کار به آن درست آید، و پایان و اختتام به آن انتظام یابد. استحکام قواعد رسالت به اوست که: محمد رسول الله، و استواری و تأیید پایه های ولایت به آن است که: علی ولی الله از خواص این اسم آن است که چون الف آن را حذف کنند «الله» باقی می ماند که «الله الامر من قبل و من بعد». و اگر لام اول را بیندازند «له» باقی خواهد ماند که «له الملك و له الحمد». و اگر لام دوم را بیندازند «هو» باقی ماند که دلالت بر ذات دارد، «قل هو الله احد» پس نامی که این همه ویژه گی دارد، اسم اعظم است.

خوشا آن سر که سودای تو دارد خوشا آن دل که غوغای تو دارد

ملک غیرت برد، افلاک حسرت جنونی را که شیدای تو دارد

دلَم در سر تمنای وصالَت سرم در دل تماشای تو دارد

فرود آید به جز وصل تو هیهات سر شوریده سودای تو دارد

چو ماهی می‌طپم بر ساحل هجر که جانم عشق در پای تو دارد

چگونه تن زند از گفت و گویت چو در سر فیض هیهای تو دارد

اسرار بسم الله

۱- امیرالمومنین(ع) از رسول خدا(ص) و رسول خدا از پروردگار جهانیان روایت کرده که: پروردگار فرمود: «کل امر ذی بال لم

یبدء بسم الله فهو إیتر؛ [۱۰] هر کار بزرگی که در آن ابتدا به نام خدا نشود، تباه و ضایع است، و به محصول و نتیجه نمی رسد».

۲- طبرسی در کتاب پرقیمت «مکارم الاخلاق» از موسی بن جعفر(ع) روایت می کند: «ما من احد دهمه إمر نعمه إو کربه کربه فرفع رأسه الی السماء ثم قال ثلاث مرات بسم الله الرحمن الرحيم الا فرج الله کربته و اذهب غمه؛ هیچ کس نیست که او را غم و غصه ای فرا گیرد و سر خود را به آسمان بردارد و سه بار بسم الله الرحمن الرحيم بگوید، مگر این که خدا ناراحتیش را برطرف کند، و غصه اش را از میان بردارد».

۳- در حدیث بسیار مهمی آمده: «لا یرد دعا إوله بسم الله الرحمن الرحيم؛ دعایی که ابتدایش بسم الله الرحمن الرحيم باشد، مردود درگاه حق نمی شود».

۴- رسول خدا(ص) زبانه های آتش دوزخ را نوزده عدد شمرده اند و فرموده اند: کسی که بخواهد خدای تعالی او را از این نوزده زبانه رهایی بخشد، اشتغال به خواندن بسم الله الرحمن الرحيم که نوزده حرف است پیدا کند، تا خدای مهربان هر حرفی از آن را سپر و حایلی از آن نوزده زبانه قرار دهد.

۵- از رسول خدا(ص) روایت شده: هرگاه آموزگاری بسم الله الرحمن الرحيم را به کودکی بیاموزد، خدای تعالی برای آن کودک و پدر و مادر و آموزگارش برات آزادی از دوزخ ثبت کند.

۶- از پیامبر اسلام روایت شده: اتمم را در قیامت به جایگاه محاسبه اعمال نگاه دارند، و اعمالشان را به ترازوی سنجش نهند، خوبیهایشان بر بدیهایشان سنگینی کند، امت های گذشته فریاد برآورند که با خوبیهای اندکشان، چرا کفه خوبیهها از بدیهها

سنگین تر آمد؟ پیامبرانشان پاسخ گویند: برای اینکه ابتدای گفتارشان سه نام از نام های حق بوده: الله، رحمن، رحیم. که اگر آن نام ها را در کفهای نهند، و دیگر حسنات و سیئات بنی آدم را در کفه ای، کفه آن سه نام سنگین تر آید.

۷- از حضرت رضا(ع) روایت شده که بسم الله الرحمن الرحیم (اسم اعظم حق) از سیاهی چشم به سپیدی آن نزدیک تر است. کلمه اسم بنا به اعتقاد بزرگان علم صرف و نحو، برگرفته از سمو به معنای رفعت و بزرگی و بلندی و برتری است. خدای مهربان، لفظ اسم را با اتصال به حرف (با) در این کلام نورانی و اثربخش آورد، تا انسان به هنگام جاری کردنش بر زبان توجه داشته باشد که می خواهد با ذکر اسم دوست به حضرت دوست متوسل شود و بداند که توسل به دوست با جاری کردن اسم او فقط به زبان میسر نمی شود، بلکه تا صفحه دل را از آلودگیهای اخلاقی و آئینه جان را از ناپاکیهای معنوی پاک نکند و زبان را به آب استغفار از سخنان یاهو و بیهوده و ذکر اغیار نشوید، روح توسل و زمینه جلوه محبوب بر باطن وجود فراهم نگردد، و به این معنای مهم و حقیقت اهم عنایت داشته باشد که بدون طهارت دل و پاکی جان و اخلاص در نیت و توجه به فقر ذاتی خود، و بی نیازی حضرت دوست، جاری کردن نام مبارکش بر زبان کمال بی ادبی و گستاخی است.

هزار بار بشویم دهان به مشک و گلاب هنوز نام تو بردن کمال بی ادبی است

حضرت حق در برترین مراتب پاکی و تقدس است و انسان خاکی در پست ترین مقام تعلق و تدنس، و این پست ترین مقام، بدون واسطه و سبب از مرحله رذالت به اوج عزت و جلالت ترقی نمی کند. به همین خاطر، خدای مهربان بسم الله را بین خود و انسان وسیله و واسطه قرار داد تا انسان با اتصال به معنا و مفهوم این کلام عرشی، و تجلی دادن حقایق آن در جان فرشی، قدم همت بر نردبان رفعت نهد و زمینه جلوه قابلیت مشاهده جمال و جلال از روزنه غیب بر او فراهم آید.

عارفی عاشق و صاحب دلی آگاه گفته: حرف (یا) اشاره به هدایت و شروع حرکت و سلوک است، و از (با) تا حرف سین که رمزی از سر معرفت است بیابانی بیکران و بادیه ای بی پایان است. محو شدن (الف) اسم در بیابان بیکران و بادیه بی پایان بین (با) و (سین)، اشاره به این دارد که سالک این راه تا انانیت و منیت و خودی و خودیت را در پرتو انوار توحید محو نکند و در آتش عشق و محبت دوست نسوزاند و جز حال تسلیم و بندگی از او باقی نماند، به سر معرفت نرسد و در عرصه نورانی (میم) مراد راه نیابد. گروهی از اهل حال برآنند که (با) اشاره به بر و نیکی او به همگان است و اغلب به عوام از مردم تعلق دارد که اهل نفوسند، و (سین) عبارت از سر او به خواص است که ارباب قلوبند، و (میم) نشانه محبت اوست که نصیب اخص الخواص است که اصحاب اسرارند.

در کتاب شریف کافی، توحید صدوق، معانی الاخبار و تفسیر عیاشی از حضرت صادق(ع) روایت شده که هر حرفی از این حروف سه گانه، اشاره به اسمی از اسماءِ حسنی است: (با) بهای الهی (سین) سمای الهی است که به معنای بلندی و رفعت نور اوست، و (میم) مجد و بزرگواری حضرت حق است.

جمعی از مجذوبان عاشق گفته‌اند: (با) اشاره به بصیر، و (سین) کنایه از سمیع، و (میم) گویای کلمه محصی یعنی شماره کننده است.

گویا قرائت کننده بسم الله را به این معانی آگاهی می‌دهد که بصیرم؛ پس ظاهر و باطن همه اعمال و کارهایت را می‌بینم، و سمیعم؛ در نتیجه همه گفته‌ها و دعاها را می‌شنوم، و محصیم؛ نهایتاً نفس‌هایت را شماره می‌کنم. بنابراین، در سایه بصیرتم از ریا و خودنمایی در عمل اجتناب کن تا تو را لباس پاداش ابدی بپوشانم، و در سایه سمیعی ام از گفتار بیهوده و باطل بپرهیز تا تو را خلعت فیض و صفا و غفران و اصلاح دهم، و در سایه محصی بودنم، یک نفس غافل مشو تا عوض آن حضور لقای بخشم.

عارفان عاشق و سالکان مجذوب و سوختگان آتش محبت محبوب می‌گویند: از معانی و مفاهیم ملکوتی و عرفانی و عرشی بسم الله، کسی بهره‌مند شود که بر بلای دوست صبر کند و سر و باطن خود را به سلوک در صراط مستقیم فنا مشغول سازد، تا به فضای نورانی (میم) مشاهده برسد

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: **وَلِلّٰهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنٰی فَادْعُوْهُ بِهَا.**

ترجمه: برای خدا نامهایی است نیکو خدا را به این نامها بخوانید.

و همچنین می‌فرماید: **اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنٰی.** ترجمه: جز خدای یکتا که همه اسماء و صفات نیکو، مخصوص اوست خدایی نیست.

رسول خدا(ص) می‌فرماید: **لِلّٰهِ تَبَارَكَ وَتَعَالٰی تِسْعَةٌ وَتِسْعِينَ اِسْمًا مِّنْ دَعَا اللّٰهُ بِهَا اُسْتَجَابَ لَهُ وَ مَن اَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ**

ترجمه: برای خداوند - که نامش مبارک و بلند مرتبه باد - نود و نه اسم است که هر کس خدا را بدانها بخواند دعایش مستجاب می‌شود و هر کس آنها را یاد کند به بهشت خواهد رفت.

شیخ صدوق می‌فرماید: معنی «أَحْصَاهَا» احاطه است به همه اسماء و به همه معانی، یعنی اگر کسی این اسماء را بشناسد و بفهمد و درک کند و به آنها معتقد باشد و ایمان به معانی آنها داشته باشد داخل بهشت می‌شود.

و حضرت رضا(ع) می فرمایند: که خدای را نود و نه اسم است که هر کس به آن دعا کند اجابت شود و هر که آنها را احصاء کند به بهشت خواهد رفت .

هر چند همه اسماء، نور واحدند اما احصای این نود و نه اسم سبب خیر و برکت هر دو جهان است.

بنا بر احادیث اهل بیت (ع) اسماء الحسنی (نامهای نیکوی خداوند، حقیقت وجودی) محمد(ص) و آل محمد(ص) می باشند

چنانچه رسول خدا (ص) و امیرالمومنین علی (ع) مکرر فرموده اند: « وَ أَنَا أَسْمَاءُ اللَّهِ الْحُسْنَى »

ترجمه : ما نامهای نیکوی الهی هستیم

و نیز فرموده اند: « نَحْنُ كَلِمَةُ اللَّهِ - نَحْنُ ذِكْرُ اللَّهِ

ترجمه: ما کلمه (اراده فعاله) خداییم- ما ذکر خداییم.

و نیز امام صادق(ع) می فرمایند: « فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ : وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا، قَالَ: نَحْنُ وَاللَّهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى

الَّتِي لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا.»

ترجمه: در تشریح معنی این گفته خدا در قرآن که فرموده است: برای خدا نامهایی نیکو است پس خدای را بدانها بخوانید؛ امام

صادق(ع) فرموده اند: بخدا ما هستیم نامهای نیک او که از بندگان هیچ عملی پذیرفته نمی شود جز به شناخت ما)

امام صادق(ع) و امام باقر(ع) می فرمایند: مظهر نود و نه اسم خدا، ما هستیم.

یکی از عباداتی که خداوند متعال ما را به آن امر کرده، ذکر است چنانچه در قرآن مجید در موارد بسیاری به ذکر و یاد خدا تاکید

شده است و نیز می فرمایند: « وَ اذْكُرْ أَنَّ اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»)

ترجمه: خدا را بسیار یاد کنید، باشد که رستگار شوید.

امام صادق(ع) می فرمایند: شیعیان ما کسانی هستند که هرگاه تنها باشند بسیار یاد خدا کنند.

و همچنین در قرآن می فرمایند: فَادْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ)

ترجمه: پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم.

و همینطور خداوند به حضرت موسی(ع) می فرمایند: يَا مُوسَى أَنَا جَلِيسٌ مِّنْ ذِكْرَنِي.

ترجمه: من همنشین کسی هستم که مرا یاد کند.

اسماء الحسنی الہی، اسبابی هستند برای اجابت حاجات و خواسته ها که مهمترین آنها شناخت و تقرب نسبت به خدای تعالی است و این امر میسر نمی شود الا به واسطه قرب و شناخت واسطه های بین ذات مطلق و جهان خلقت یعنی محمد و آل محمد (ص) که نمایندگان تام الاختیار و صاحبان ولایت کلیه الهیه و مظاهر تامه صفات او می باشند. چنانچه قرآن مجید می فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ**

ترجمه: ای اهل ایمان از خدا بترسید و به وسیله ایمان و پیروی از اولیاء حق به خدا توسل جویید...

امام صادق (ع) در ذیل آیه می فرماید: **نَحْنُ الْوَسِيلَةُ** (ما ییم وسیله) و رسول خدا (ص) می فرماید: **نَحْنُ الْوَسِيلَةُ إِلَى اللَّهِ** ، ما هستیم وسیله به سوی خدا.

و نیز در دعای عالیہ المضامین می خوانیم: **أَنْتَ وَسَيْلَتِي إِلَى اللَّهِ**... ترجمه: تو وسیله من هستی به سوی خدا (و همچنین در دعای توسل می فرماید: **فَأَنْتُمْ وَسَيْلَتِي إِلَى اللَّهِ** ترجمه: شما یید وسیله من به سوی خدا .

وجود مقدس حضرت محمد (ص) و حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه زهرا (ع) و ائمه هدایت، معصومین (ع) حقیقت اسم اعظم خداوند اسماء الحسنی الہی هستند و خداوند آنها را کلمه تامات وجود و نام اعظم خود قرار داده است و بدین جهت از تمام پیغمبران عهد و میثاق در قبول ولایت کلیه الهیه آنان گرفته است.

پس با عنایت بر این که قرآن می فرماید: **اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا** (ترجمه: یاد کنید خدا را یاد کردنی بسیار و بنا بر فرمایش امام صادق (ع) ذکر کثیر تسبیح حضرت زهرا (ع) است.

ذکر کثیر آن است که دل و زبان و تمام اعضا و جوارح انسان ذاکر باشد. کسی که ذاکر شد عمل می کند هر آنچه را که خدا امر کرده و ترک می کند هر آنچه را که خدای نهی کرده و اینجاست که او واجد مقام بندگی خدا می شود، مقامی که پیغمبر اکرم (ص) به آن افتخار می کند. پس ذاکر کسی است که به یاد خدا باشد و غیر خدا را فراموش کند. ذاکر خود را در حضور حق می بیند. کسی که خود را در حضور حق دید، مرتکب معصیت نمی شود. معصیت زمانی انجام می شود که انسان از یاد خدا غافل باشد. قرآن کریم در این باره می فرماید: **وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ** ترجمه: و نباشید از غافلین.

و همچنین خداوند در قرآن کریم به ما امر می کند: **فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ**

ترجمه: پس سوال کنید از اهل ذکر اگر نمی دانید.

مراد از اهل ذکر، محمد(ص) و آل محمد(ص) می باشند.

این چهارده نور پاک، ذاکرند و خود، ذکرند. به عبارت دیگر آنان ذکر مجسم و تجسم ذکر هستند و به ذکر و یاد خدا دل اطمینان می یابد.

الَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ.

بنابر روایات اهل بیت (ع)، مراد از ذکر در این آیه محبت و ولایت امیرالمومنین(ع) و محمد و آل محمد(ص) می باشد . پس

کسی که ولایت و محبت امیرالمومنین (ع) را در دل داشته باشد ذاکر است و دل او اطمینان و آرامش دارد.

چنانچه علی بن ابراهیم در تفسیرش ذیل آیه یا ایُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا، از قول معصوم(ع) نقل می کند الَّذِينَ آمَنُوا، شیعه و ذکر الله امیرالمومنین و ائمه (ع) می باشند.

در ذکر بعض آیات و دعاهاى نافعه مختصره که انتخاب کردم از کتب معتبره اول سید اجل سید علیخان شیرازی رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ در کتاب کلم طیب نقل فرموده که اسم اعظم خدایتعالی آنست که افتتاح او الله و اختتام او هُوَ است و حروفش نقطه ندارد وَلَا يَتَغَيَّرُ قَرَأْتُهُ أُعْرِبَ أَمْ لَمْ يُعْرَبْ واین در قرآن مجید در پنج آیه مبارکه از پنج سوره است بقره و آل عمران و نساء و طه و تغابن شیخ مغربی گفته هر که این پنج آیه مبارکه را ورد خود قرار دهد و هر روز یازده مرتبه بخواند هر آینه آسان شود برای او هر مهمی از کُلّی و جُزئى بزودی انشاءالله تعالی

ذکر پنج آیه اسم اعظم

آن پنج آیه این است (۱) اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ تا آخر آیه الكرسي

***** (۱) خدایی که نیست معبودی جز او زنده و پاینده *****

(۲) اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ

(۲) خدایی که نیست معبودی جز او زنده و پاینده که کتاب را به حق بر تو

مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ مِنْ قَبْلُ هُدًى لِلنَّاسِ

نازل فرمود و کتابهای پیشین را تصدیق کند و از پیش تورات و انجیل رانازل کرده که هدایتی است برای مردم

وَأَنزَلَ الْفُرْقَانَ (۳) اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ

و فرقان را نیز نازل فرمود (۳) خدایی که نیست معبودی جز او و قطعاً شما را در روز قیامت گردآورد

لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا (۴) اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ

که شکی در آن نیست و کیست که در گفتار از خدا راستگوتر باشد (۴) خدایی که نیست معبودی جز او

الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى (۵) اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

و همه نامهای نیک از آن اوست (۵) خدایی که معبودی جز او نیست و بر خدا باید توکل کنند مؤمنان

اسامی اعظم و خواص آنها (اسامی ۴۰ گانه)

هماتطور که میدونید خداوند بزرگ اسامی مختلف و زیادی دارد که کسی هنوز تمام این اسامی را نشناخته (غیر از بندگان خاص او) و اسمهایی از خدا هستند که اگر کسی آنها را بداند با ذکر آنها هر کاری که خارج از قدرت انسانهاست را میتواند انجام دهد . در این بین اسامی هستند که خواص بسیار دارند که سعی میکنم آنها را به ترتیب برایتان بازگو کنم و امیدوارم با ایمان به این اسامی بتوانید از آنها در راه حل مشکلات استفاده کنید این اسامی ۴۰ نام هستند که بنا به دلایل خاص از گفتن چند تای آنها اجتناب می کنم و در این جا ۴ نام را برایتان بازگو میکنم و اگر استقبال شد و علاقمند بودید در جلسات بعد تمام آنها را می گویم

اسم اول (سبحانک لا اله الا انت یا رب کل شیء و وارثه)

هرگاه کسی بخواهد به نزد حاکمی برود باید که ۱۷ مرتبه در قبل از رویا رویی با او بخواند و بر خود بدمد بعد از آن خود را به وی نشان دهد چون حاکم او را ببیند اگر چه از اورنجیده باشد . و از برای هرکس از بزرگان بهمین طریق بخواند باید عمل کرد یا اگر امید به کسی دارد بجهت احتیاج باید که روز یکشنبه که روز شمس است به نیت آن مطلب ۱۳ مرتبه بخواند بخوبی میسر خواهد شد و اگر مطلوب با طالب ن سازد و سرکشی کند باید که طالب غسل کند و جامه پاک در تن بپوشد و ۴۱ مرتبه بر شیرینی اسماء را بخواند و بدمید و به خورد مطلوب دهید و او مطیع و مناقد طالب میگرد و باید که به اعتقاد درست و صدق دل کافی این عمل را انجام داد.

اسم دوم (یا اله الا له الرفیع جل جلاله)

اگر کسی تنگدست باشد و فقیر و در نظر مردم بی اعتبار باشد باید ۲۰ روز و هر روز بعد از نماز صبح ۱۵ مرتبه بخواند و در نظر مردم بزرگ شود و در رزق و روزی بر او گشاده گردد و احترام او در دل ها پدید آید و در بین بزرگ و کوچک عزیز و محترم گردد و باید در این مدت با طهارت و لباس پاک باشد.

اسم سوم (یا الله المحمود فی کل افعاله و فعاله)

اگر کسی روز آدینه (جمعه) وقت نماز ظهر غسل کند و وضو بگیرد و به مسجد جامع برود و بعد از نماز به هر مرادی که در دل دارد ۲۰۰ مرتبه بخواند و با اعتقاد این عمل را انجام دهد و به آن شک نیاورد مراد او برآورده شود

اسم چهارم (یا رحمن کل شیء و راحمه)

اگر کسی بد خلق باشد و بد خوی و مردم از خوی بد او به زحمت افتاده باشند و خواهند که او حلیم و سلیم گردد باید که از پنهانی وی این اسم را بر حریر سفید به مشک و زعفران بنویسد و بنام و نام مادرش به ابجد کبیر و در مکانی پاک دفن کند در نهاد وی اصلاح شود و اگر از برای محبت بنام مطلوب ۳ روز روزه بگیرد و هر روز ۵۰۰ مرتبه این اسم را بخواند و بعد از ۳ روز به حمام رود که درب آن مقابل قبله باشد غسل کند و چون بیرون آید این اسم را بر کف دست راست بنویسد و در مقابل مطلوب برود و برابر وی قرار گیرد محبت او در دل او افتد و اگر بتواند دست بر سینه نهد از عشق بیقرار گردد و در امر حلال استفاده نماید